

گفت و گو با یک مزاحم رأی‌گیری در خارج



کارتون: محمدعلی رحیمی

خبرنگار: قصد داریم بادونفر از ایرانیایی که در خارج از کشور مزاحم رأی دادن هم وطناشون می‌شدن، صحبت کنیم. انگیزه شما از این مزاحمت چی بود؟

مزاحم اول: شیم آن یو!

خبرنگار: جان؟!

مزاحم دوم: می‌گه شرم بر تو باد که این مبارزه مدنی ما رو محکوم می‌کنی و داری ما رو به مزاحمت متهم می‌کنی. ننگ بر تو که این اکسیون‌های اعتراضی ما رو زیر سؤال می‌بری. اف بر شما که...

خبرنگار: خبه خبه خبه... همه اینا رو رقیقت گفت؟

مزاحم دوم: نه، خودم می‌گم. اگه سؤالی دارین، در خدمتتون هستیم.

مزاحم اول: داون ویت ایر فورس وان...

مزاحم دوم: کالم داون بیبی... بیخشین، این دوست من فارسی کیلی کیلی کم. ما براساس حس وطن پرستی مون باهرکسی که بخواد ایرون رو نابود کنه، مبارزه می‌کنیم.

خبرنگار: الان اونایی که رفته بودن سفارتخونه رأی بدن، می‌خوان ایران رو نابودکنن؟

مزاحم اول: بیس آو کورس.

مزاحم دوم: خب معلومه. اونا اگه آینده ایرون براشون مهم بود که نمی‌رفتن رأی بدن. باید می‌نشستن توی خونه و می‌زدن کانال اینترخشخاش تا به سرتگونی رژیم کمک کنن. مرگ بر وطن فروش.

خبرنگار: یعنی شما از روی حس وطن پرستی و خیلی خودجوش این کار رو انجام دادین؟

مزاحم اول: نو، نو، نو، چرا چرا چرا.

مزاحم دوم: معلومه که بعله. پس چی؟

خبرنگار: پس اون دلارایی که وسط مراسم داشتن بینتون پخش می‌کردن، چی بود؟

مزاحم اول: اونا که دلار نبودن. چرا دروغ می‌گی؟ همه تون همین طوری هستین. اونا یورو بودن. به خاطر زحماتی که می‌کشیم، بهمون شاباش دادن.

خبرنگار: اینکه به هم وطناتون فحش زشت بدین، می‌شه زحمت کشیدن؟

آزاد نباشن؟

مزاحم دوم: از این زاویه هم می‌شه به قضیه نگاه کرد، ولی همه آزادن. اونا آزادن برن رأی بدن، ما هم آزادیم که بریم فحش بدیم و بهشون حمله کنیم. تازه اونا می‌تونن از آزادی شون استفاده‌های بهتری ببرن. مثلاً در حمایت از رژیم این دوستانی که بهمون شاباش می‌دادن، زنده باد بگن.

خبرنگار: کی این شاباش هارو بینتون پخش می‌کرد؟

مزاحم اول: موساد اند سیانند منافقین اند...

مزاحم دوم: شات آپ! یه عده از هواداران بودن که خیلی خوششون اومده بود از این کار ما. اصلاً نان آو یور بیزینس!

مزاحم اول: بیس آو کورس!

مزاحم دوم: بله. تازه فحش زشت ندادیم. فحش آبدار گرون بود. فحش دیگه خیلی زشت و آبدار دارو اینا هم گرون تر بود که به اون مرحله نرسیدیم متأسفانه.

خبرنگار: پس شما قبول دارین که در برابر پول حاضرین به پیرمرد و پیرزن فحش بدین و انسانیت رو زیر پا بذارین؟

مزاحم دوم: پیر؟ خیلی هم جوون بودن. فقط خودشون رو گرم کرده بودن که ما نشناسیمشون. انسانیت؟ وات د انسانیت؟ این اسمش آزادیه. ما آزادی بیان داریم که هرچی دلمون خواست، بگیم و طرف مقابل باید احترام آزادی ما رو نگه داره.

خبرنگار: آزادی یعنی اینکه فقط شما آزاد باشی و بقیه



ضرر می‌کنین. هم جامعه ضرر می‌کنه و هم کشور. تازه چندتا ضرر دیگه هم اتفاق می‌افته که ممکنه به ذهن ما خطور نکنه. ولی حجم ضرر بی‌شک خیلی بیشتر از این حرفاست. پس به نظر بنده، بهترین حالت اینه که با توجه به گردی معده، مقدار مناسبی غذا تهیه و مصرف بشه تا همه از پیش قاضی راضی برگردن و جیب و معده ما هم هم‌زمان خوش حال و خندان بشن و حرکات موزون از خودشون به نمایش بذارن!

لاغر شدن. به هر حال، ما توی کار مردم دخالتی نمی‌کنیم. باری، حالا کار نداریم. هر چند وعده یا میان وعده که میل می‌کنین، اگه بتونین مدیریت درستی انجام بدین، هر وعده توی همون وعده تموم می‌شه و خلاص. مگه اینکه به دلیل مشغله‌های کاری، این مقدار دو یا سه برابر تهیه بشه که بعداً به همون میزان مصرف بشه. حالا اگه مصرف نشد، چی؟ خب باید مصرف بشه. اگه خدای نکرده مصرف نشد، از طرفی هم خود شما